

درمورد سندیکالیست ها باید با صراحت صحبت کرد

اراده خردمند

ششم مهرماه هشتاد و شش

در محور نقد «امیر پیام» به محمد اشرفی؛ چه نهفته است؟ تمام به اصطلاح نقد او به مقاله ی ارزنده ی محمد اشرفی یک نکته ی مخفی نگه داشته شده است: چگونگی تقابل با دولت سرمایه داری. تمام آسمان و ریسمان بافی او برای مخفی نگه داشتن این مسئله ی محوری تزیین شده است.

در مورد مقاله ی امیر پیام و رفیق محمد اشرفی، نکاتی در مقاله ی رفیق آرمن رهایی (میلیتانت شماره ۵)، و پیش از آن، در مقاله «مبارزه با سندیکالیسم با روشی صحیح» (میلیتانت شماره ۴) اشاراتی شد؛ در اینجا آن بحث ها را که مورد توافق من هم هست؛ تکرار نمی کنم. در این مقاله از زاویه ای دیگر توضیح داده می شود که چرا سندیکالیست ها سیاست سازش با دولت سرمایه داری را (در نهایت) اتخاذ خواهند کرد، حتی چنانچه امروز به وضوح آن سازش را انجام نداده باشند و یا حتی اگر رهبرانشان در زندان باشند (قابل ذکر است که ما از هر مبارزی که با هر سیاستی با دولت سرمایه داری مبارزه می کند؛ باید بدون قید و شرط حمایت کنیم حتی اگر با برنامه و سیاست آنها مخالف باشیم).

در محور برنامه ی سندیکالیست تحقق مطالبات سنتاً «حداقل» قرار گرفته است: مطالباتی نظیر حقوق بیکاری، بیمه های اجتماعی، بازنشستگی، حق مرخصی با پرداخت دستمزد؛ حق تشکیل سندیکا و اتحادیه های کارگری و غیره از جمله ی این خواست ها هستند. البته باید ذکر گردد که اهمیت این مطالبات در اواخر قرن نوزدهم بسیار زیاد بود. زیرا که حزب های سوسیال دمکرات می توانستند، به اصلاحاتی در راستای منافع کارگران دست یابند. اما این خواست ها، امروزه، حتی در کشورهای غربی کمرنگ شده اند، زیرا بورژوازی در حال پس گرفتن بسیاری از «اصلاحات» گذشته است. تحقق این خواست ها در کشورهای نظیر ایران نیز یا دشوار اند و یا چنانچه بخشاً تحقق یابند، عمدتاً «اصلاحاتی» به نفع رژیم هستند و نه طبقه ی کارگر. اما علیرغم این ها، مبارزه حول این شعارها نیز ضروری است. در دوره ی پیش این قبیل مطالبات توسط بسیاری از کارگران ایران طرح شده اند. اما باید روشن باشد که این مطالبات نظام سرمایه داری را نفی نمی کند. سندیکالیست ها از این مطالبات فراتر نمی روند. از این رو ماهیت دولت سرمایه داری را هیچگاه مورد سؤال قرار نمی دهند. تمام فعالیت خود را برای رسیدن به مطالبات حداقل معطوف کرده و پس از کسب آن کار خود را پایان یافته قلمداد می کنند.

در صورتی که کارگران ضد سرمایه داری، خواهان تحقق مطالبات «انتقالی» اند، مطالباتی که تحقق نهایی آنها مستلزم شکسته شدن چارچوب نظام سرمایه داری است؛ این مطالبات که شامل شعارهایی مانند افزایش دستمزدها متناسب با تورم، کاهش ساعات کار متناسب با افزایش بیکاری، باز کردن دفترهای دخل و خرج شرکت ها، کارخانه ها و بانک ها، نظارت مستقیم کارگری برای تدوین قوانین موجود، کنترل بر تولید و توزیع و غیره می باشند. یکی

از مطالبات ذکر شده در مقاله رفیق محمد اشرافی که ظاهراً مورد رنجش امیر پیام قرار گرفته بود؛ طرح در حضور چانه زنی با حضور رسانه های عمومی برای مطلع کردن تمام کارگران از محتوای چانه زنی بود. این مطالبه محققاً مورد توافق نه سندیکالیست و نه دولت قرار نمی گیرد. زیرا هر دو طرف خواهان رسیدن به توافقاتی هستند که به سود درازمدت کارگران تمام نمی شود. عدم تحقق این مطالبه دست کارگران را برای دور زدن دولت سرمایه داری باز می کند. این امر برنامه ی سندیکالیست ها را به هم خواهد ریخت؛ زیرا مطالبات کارگران مستقل و ضد سرمایه داری بلافاصله فراتر از مطالبات «حداقل» خواهد رفت.

از آن جایی که این مطالبات، در عصر اخیر، در پی هر حرکتی، به محور عملی مبارزات کارگری تبدیل شده است، یکی از پایه های اساسی مطالبات کارگران پیشرو را تشکیل میدهد؛ و برای دوره ای تاریخی در رأس برنامه ی حزب پیشتاز انقلابی آتی در ایران قرار میگیرد. مطالبات انتقالی از لحاظ کیفی با جزیی و «حداقل» (یا مطالبات دموکراتیک) متفاوت اند، زیرا مطالبات دموکراتیک و حداقل؛ هیچ یک نظام سرمایه داری را زیرسؤال نبرده و از مطالبات محوری درازمدت طبقه ی کارگر نمی توانند باشند.

در عصر انقلابات، دینامیزم مبارزات طبقاتی از مبارزه حول مطالبات دموکراتیک و حداقل، فراتر میرود. برنامه ی طبقه ی کارگر ترکیبی از مطالبات «حداقل»، «حداکثر» سنتی، «دموکراتیک» و «انتقالی» است. در رأس این برنامه مطالبات انتقالی قرار گرفته، زیرا که رودرویی روزمره «کار» و «سرمایه» را بطور پیگیر تشدید می کند و وضعیت را برای کسب اعتماد به نفس و نهایتاً تسخیر قدرت توسط طبقه ی کارگر آماده می کند. پیرامون این شعارها، کارگران می توانند به یک سلسله تجارب دست یافته و اعتماد به نفس در درون آنها تقویت گردد و خود را برای حکومت و مدیریت کارگری آماده کنند.

اراده خردمند

از میان وبلاگ میلیتانت

۶ مرداد ۱۳۸۶

